

تبیین نقش بسیج در تقریب به تولید ملی؛ برخی دلالت‌های نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری

محمد صادق تراب زاده جهرمی

مقدمه:

تولید ملی، راهبرد اساسی در در اداره اقتصادی کشور به شیوه مقاومتی است که حاکمیت آن نیازمند حرکت همه جانبه افراد و نهادهای موثر اجتماعی است. اینکه هر نهاد، چه نقشی در این ماجرا خواهد داشت، متأثر از نقش‌های عمومی، نقش‌های خاص، مزیت‌های رقابتی نهاد و نیازهای جامعه است. بسیج نیز نهادی است که در ضمن داشتن نقش‌های عمومی هر نهاد اجتماعی، به علت دارا بودن مزیت‌های رقابتی و ویژگی‌های خاص خود، دارای نقش‌های ویژه‌ای در تامین نیازهای جامعه است. این ویژگی‌های خاص ناظر به تفکر بسیجی، روحیه جهادی، انگیزه الهی و اخلاصی است که در نهاد بسیج متبلور است. مطمئناً این نوع تفکر را در سایر نهادهای اجتماعی نیز می‌توان یافت اما تمایز بسیج به آن است که این تفکر به صورت سازماندهی شده و تشکیلاتی، به صورت گسترده و به عنوان مأموریت خود این نهاد تعریف شده است. به عبارت دیگر شاهد اجتماعی هستیم که جهادی و خالصانه در راستای اعتلای اسلام تلاش می‌کند.

متناظر با این ویژگی‌ها، تکالیف متفاوتی نیز برای بسیج در حل مسائل عمومی جامعه اسلامی تعریف می‌شود. یکی از این مسائل، مساله تولید ملی است که از سوی مقام معظم رهبری، مورد تاکید قرار گرفته و بسیج باید به عنوان طلایه دار حرکت جهادی مخلصانه، آن را در سرلوحه اولویت‌ها قرار دهد. ارتقای تولید ملی از طریق مفهوم پردازی متناسب تولید ملی، کاربست راهبردهای تولید ملی، تامین زیرساخت‌هایی از جمله رفع موانع تحقق تولید ملی، مبارزه با مفاسد اقتصادی در جهت اعتمادسازی برای فعالیت اقتصادی، قانون‌گذاری حمایتی، فرهنگ‌سازی در حوزه تولید ملی و مصرف داخلی و ایجاد احساس امنیت (برای دولت، سرمایه‌گذار، کارگر) از جمله مباحثی است که ایشان مورد تاکید قرار داده‌اند (تراب زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

نوشتار حاضر درصدد آن است که با تبیین ویژگی‌های خاص نهاد انقلابی بسیج و از رهگذر دلالت‌های نظریه‌های خط-مشی‌گذاری عمومی، توان بالقوه بسیج را برای ارتقاء تولید ملی مورد اشاره قرار دهد.

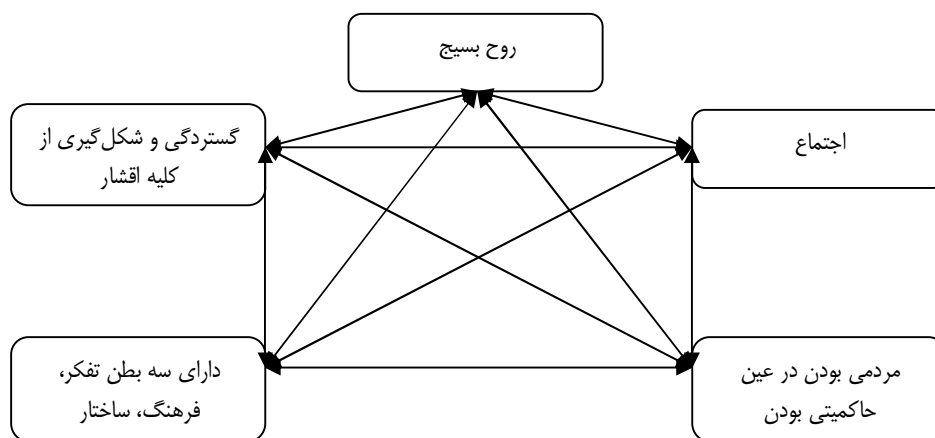
ویژگی بسیج:

عمل هر نهاد اجتماعی برای حل یک مساله، تابعی از ویژگی‌های عمومی و اختصاصی آن است که تبیین‌گر وظایف آن نهاد می‌باشد. بسیج نیز همانند هر نهاد دیگر جهت استفاده از ظرفیت‌های خود در حل مسائل عمومی جامعه، باید در گام اول به شناخت خود روی آورد. اما آنچه که یک نهاد اجتماعی را از سایرین متمایز می‌سازد، ویژگی‌های اختصاصی آن است. گاهی این ویژگی‌ها به صورت انفرادی متمایز کننده هستند و گاهی نیز اما به ندرت، این ویژگی‌های متمایز به صورت جمعی و همزمان در یک نهاد متبلور می‌شوند. بسیج یکی از این نهادهاست که ویژگی‌های متمایز و انفرادی را به صورت جمعی دارد و این جمع بودن، نوعی خاصیت هم‌افزایی ایجاد کرده و خود مهمترین ویژگی این نهاد مقدس است. حال به ذکر این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

۱. روح بسیج: ایمان، معنویت، شجاعت، اخلاص، ایثار، جهادگری، شهادت‌طلبی، صبر و استقامت (مرندی، ۱۳۸۵، ۱۲۹-۲۶۰). در حقیقت بسیج اعتلای ارزش‌های والای دینی است که مجموعه این ارزش‌ها در کنار هم و درون نهاد بسیج متبلور شده‌اند (جاوید، ۱۳۸۷، ۳۴۲). در حقیقت یک ایدئولوژی دینی مجموعی بر آن حاکم است.
۲. اجتماع: ارزش‌های مذکور به صورت فردی مشاهده نمی‌شوند بلکه مجموعه این ارزش‌ها در اکثر افراد و به صورت نهادینه شده وجود دارند. شاید نهادهایی باشند که درون برخی افراد آن‌ها، چنین ارزش‌هایی برجسته باشند اما سازمانی چنین، به ندرت یافت می‌شود.
۳. گستردگی و شکل‌گیری از کلیه اقشار: علاوه بر روح بسیج که ارزش‌های والا را به صورت یک مجموعه در خود جای داده است و علاوه بر اینکه آن‌ها را در اکثریت افراد این مجموعه می‌توان یافت، باید توجه داشت که خود این نهاد، دامنه‌ای بسیار گسترده داشته و عمومی وسیع از جامعه را در بر دارد. این عمومیت، عمق اثرگذاری و ژرفای امکان تحول را به نمایش می‌گذارد. این عمومیت، عامی نیست که اجزای آن از هم دور بوده و ارتباط و تعاملی با یکدیگر نداشته باشند، بلکه به علت همه گیر بودن آن، دارای تعاملات شبکه‌ای نهادینه است (جاوید، ۱۳۸۷، ۳۴۳). این شبکه ارتباطات نیازی به تعامل فیزیکی ندارد اما دارای راهبرد همکاری شبکه‌ای است.
۴. جوشش از متن ملت و مردمی بودن در عین حاکمیتی بودن (مرندی، ۱۳۸۵، ۱۲۹؛ جاوید، ۱۳۸۷، ۳۴۱؛ میزگرد، ۱۳۸۵، ۱۲): بسیج نهادی خودساخته یا فرمایشی نیست. در عین اینکه وابستگی سازمانی و فکری به نظام

اسلامی دارد اما خود، نهادی جوشیده از متن ملت و مردمی است. در عین اینکه از حیث وابستگی به قدرت، ماموریت محور عمل می‌کند اما از حیث وابستگی به مردم، خودجوش و زاینده حرکت می‌نماید.

۵. همزمان تفکر، ساختار غیررسمی و نوعی فرهنگ، ساختار رسمی (میزگرد، ۱۳۸۵، ۷): بسیج در عین اینکه یک ساختار رسمی و سازمان عینی دارد، همزمان یک تفکر است و به عنوان تفکر بسیجی نمود دارد. تفکر بسیجی لزوماً درون ساختار رسمی، محدود نمی‌شود و به علت زاینده‌گی فکری و عملی نهاد بسیج، این تفکر در قالب یک چارچوب رفتاری به سایر نهادها و حتی افراد خارج از سازمان رسمی بسیج نیز تسری می‌یابد. علاوه بر این، خود نوعی فرهنگ و ساختار رسمی است. به همین علت است که ماموریت‌های رسمی همواره در جهتی فزاینده، تامین می‌گردند. در حقیقت مجموعه تفکر بسیجی، فرهنگ غیررسمی بسیجی و سازمان رسمی بسیج، در کنار هم به همراستایی عملی و حذف تعارضات منجر می‌شوند.



شکل شماره ۱: ویژگی‌های خاص نهاد بسیج

نقش‌های بسیج:

متناسب با چنین ویژگی‌هایی، نقش‌هایی نیز برای بسیج قابل تعریف هستند که موجب ایفای هرچه بهتر چنین نقش‌هایی می‌شوند. این نقش‌ها عبارتند از: حاکمیتی، علمی، گفتمانی، تربیتی، اجرایی- عملیاتی. مسلماً بسیاری از نهادهای اجتماعی و حتی افراد هم می‌توانند چنین نقش‌هایی را به خود بگیرند اما نکته اساسی این است که تجلی ویژگی‌های خاص بسیج در چنین نقش‌هایی می‌تواند به کلی کارکرد و اثرات آن را متحول سازد، همانند حرکت جهادی در حوزه آبادانی و عمران یا حرکت بسیجی در حوزه تولید علم. به جهت تبیین بیشتر، این نقش‌ها تبیین می‌گردند:

۱. نقش تربیتی: این نقش، در گام اول ناظر به بعد درونی عملکرد بسیج است که جهت نیل به اهداف بیرونی، ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت، نظام آموزش درونی بسیج در این نقش جای می‌گیرد. نقش تربیتی، به دنبال ساخت و تربیت نیروهایی است که قرار است نقش‌های بیرونی را برعهده بگیرند. البته خود این نقش نسبت به سایر نقش‌ها اولویت بیشتری دارد. به عبارت دیگر، با وجود اینکه نقش تربیتی مقدمه اجرای نقش‌های بیرونی است اما به دلیل تقدم ارزشی، خودسازی بر تربیت دیگران، اهمیت بیشتری می‌یابد. نقش تربیتی البته در بعد بیرونی نیز برای خود سهمی مهم دارد. انتقال محتوای فرهنگ مورد نظر به مخاطبین بیرونی مکمل نقش درونی تربیتی است. بخش دوم این نقش را در ذیل نقش اجرایی خواهیم دید. نکته دیگری که در مورد نقش تربیتی درونی باید متذکر شد این است که خود این نقش در ضمن خود اما به صورت محدود سایر نقش‌ها را برای هدف تربیتی، واسطه می‌سازد. برای مثال از نقش گفتمانی و ارتباطی در جهت تربیت بهره می‌برد.

۲. نقش حاکمیتی: نقش حاکمیتی، فعالیت‌هایی را در بر دارد که به هر نحو مستقیم یا غیرمستقیم، بر نظام تصمیم‌گیری کشور تاثیر دارند. این تاثیرات در پرتو تعامل با نهادهای تصمیم‌گیر یا تصمیم‌ساز نظام رخ می‌دهند. نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری تابعی از مساله قدرت است که در این نقش، شناخت منابع قدرت ضروری به نظر می‌رسد. به طور مثال، بعدی از فعالیت‌های سیاسی در راستای اهداف سیاسی بسیج، در نقش حاکمیتی قابل تعریف است.

۳. نقش گفتمانی - ارتباطی: این نقش اشعار به فعالیت‌هایی دارد که موضوعی را در سطح عموم (عموم عام یا عموم خاص) طرح کرده و به عنوان پذیرفته شده یا مساله ذهنی افراد آن عموم در می‌آورند. استفاده از ابزارهای ارتباطی و فرهنگ سازی، مهمترین رویکرد در تحقق بخشی به اهداف این نقش است.

۴. نقش اجرایی - عملیاتی: نقش تربیتی ناظر به بعد درونی عملکرد بسیج بوده و سه نقش حاکمیتی، گفتمانی-ارتباطی و نقش اجرایی - عملیاتی ناظر به بعد بیرونی این عملکرد است. نقش اجرایی - عملیاتی، اشاره به فعالیت‌هایی دارد که موضوع فعالیت می‌باشند و محتوا را مدنظر دارند در حالی که نقش حاکمیتی و گفتمانی-ارتباطی جنبه فرایندی دارند. متناسب با هر ماموریتی (موضوع/ محتوا) که بسیج می‌یابد می‌تواند نقش محتوایی به خود بگیرد. بنابراین اهم شعب نقش اجرایی - عملیاتی عبارتند از:

۴,۱. علمی

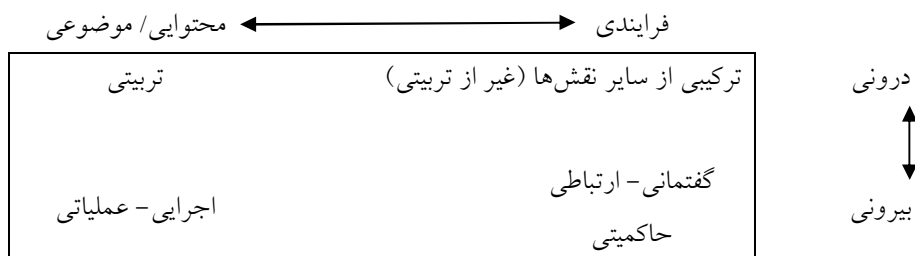
۴,۲. اقتصادی و سازندگی

۴,۳. اجتماعی، فرهنگی، تربیتی^۱

^۱ به جهت عدم مرزبندی دقیق بین مفاهیم، در یک دسته بیان شده‌اند.

۴,۴. نظامی

۴,۵.



شکل شماره ۲: گونه شناسی نقش‌های بسیج

چارچوب نظری پژوهش:

برای پیگیری نقش‌آفرینی هر نهاد از جمله بسیج در مسائلی از جمله تولید ملی، رجوع به مدل ناگزیر است. برای تحلیل نیز نیازمند نوعی زاویه دید هستیم. مدل‌ها بیانگر عناصر مورد بررسی هستند و زاویه دید، رویکرد بررسی و تحلیل این عناصر را مشخص می‌سازند. انتخاب زاویه دید مناسب و کاربردی و نیز نوع مدل تحلیلی، می‌تواند نتایج مختلفی را در پی داشته باشد. متناسب بودن و کاربردی بودن مدل و زاویه دید، تابعی از مساله و خوبی آن وابسته به حل مساله است.

زاویه دید این نوشتار، منظر دلالت‌های سیاستی نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری است. از دو حیث می‌توان این زاویه دید را دنبال کرد: یکی اینکه دلالت همه نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری استخراج و طبقه‌بندی شده، سپس آن‌ها را به صورت بسته-های سیاستی تعریف نماییم. رویکرد دوم، بهره‌گیری از یک نظریه خاص و سپس تمرکز بر دلالت‌ها و تکمیل نقایص مدل با استفاده از الگوی تلفیقی است. از آنجا که نظریه‌های خط‌مشی، به نوعی فرایند حل مساله هستند، تاکید بر دلالت‌های سیاستی آن‌ها، راهکارهای مناسب‌تری برای توجه به مساله تولید ملی ارائه می‌دهند.

مدل مطرح شده در این نوشتار، الگوی تلفیقی ماتریس دو بعدی است. بعد اول آن عبارتست از گونه‌شناسی نقش‌های بالقوه بسیج که قبلاً بیان شدند و بعد دوم نیز بیانگر عناصر نظریه جریان سه گانه^۲ خط‌مشی‌گذاری است. از تلفیق این دو بعد، نقش بسیج در فرایند حل مساله و در مراحل مختلف آن استخراج خواهد شد. این مدل، مدلی کلی خواهد بود که برای بسیاری از مسائل کاربرد خواهد داشت. بنابراین برای تحلیل مساله تولید ملی، لازم است تا عناصر و محورهای

^۲ Multiple stream theory

تولید ملی نیز وارد مدل شوند. بنابراین نقش‌های بسیج در محورهای مختلف تولید ملی از منظر نظریه جریان سه‌گانه خط‌مشی محل تحلیل قرار می‌گیرد.

مدل جریان سه‌گانه خط‌مشی			موضوعات تولید ملی		
جریان تولید خط‌مشی	جریان سیاست	جریان مساله-هدایت افکار عمومی			
*	*	*	*	حاکمیتی	تولید ملی
*	*	*		ارتباطی - گفتمانی	
*	*	*		تربیتی (داخلی)	
*	*	*		اجرایی - عملیاتی	

جدول شماره ۱: مدل اجمالی نقش بسیج در ارتقاء تولید ملی از منظر نظریه جریان سه‌گانه

از ترکیب این دو بعد، سلول‌هایی بدست می‌آید که در واقع قالب و محتوای خط‌مشی‌های نهادهای موثر در حوزه تولید ملی را رقم می‌زنند. بسیاری از نهادها از این الگو برای تبیین خط‌مشی‌های خود می‌توانند بهره‌برند. اما این الگو را باید با توجه به ویژگی‌های عمومی یا خاص و مزیت هر نهاد تعریف نمود. ممکن است یک خط‌مشی برای نهادی مناسب و برای نهاد دیگر، غیرقابل تعریف باشد.

خط‌مشی‌های مستخرج از الگو و فیلتر شده از جهت خصائص بسیج، در نهایت بر مبنای نگاهی کاربردی تقسیم‌بندی می‌شوند. نتیجه این فرایند را می‌توان، به عنوان داده‌های خام برای نظام‌سازی نقش بسیج در تولید ملی مدنظر قرار داد.

موضوعات مدل:

بعد از روشن شدن مدل، نیازمند آنیم تا بدانیم چه موضوعاتی را باید درون این مدل تحلیل کرد. این امر نیازمند بحثی کارشناسی و پژوهشی عمیق در بحث الزامات تولید ملی است که از حوصله نوشتار حاضر خارج می‌باشد اما به جهت آشنایی بیشتر با کارکرد مدل لازم است برخی از این موضوعات را برشمرد. با توجه به سیاست‌های کلی نظام پیرامون تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی از سوی مقام معظم رهبری، محورهای تولید ملی از این سیاست‌ها استفاده می‌شوند. از میان محورهای سیاست کلی نظام پیرامون تولید ملی، مواردی که بیشترین قرابت با موضوع پژوهش دارند،

استخراج شده‌اند. می‌توان جامع‌ترین نگاه به این محورها در راستای نقش بسیج را همان تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی دانست. این محورها عبارتند از:

۱. بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید
۲. هدایت و تقویت تحقیق و توسعه و نوآوری‌ها و زیربنای آن‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها
۳. گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن
۴. حمایت از تولید محصولات با ماهیت راهبردی مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولید کشور.
۵. بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی و اصلاح زمینه‌های فرهنگی، قانونی، اجرایی و اداری.
۶. افزایش سهم بخش‌های تعاونی و خصوصی در تولید ملی
۷. تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
۸. توانمندسازی و ارتقاء بهره‌وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت و ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار.
۹. بسترسازی و ساماندهی اشتغال و حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی.
۱۰. ارتقاء سرمایه‌های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی.
۱۱. توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی و استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.

نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری:

نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری، بیانگر ماهیت و چگونگی فرایند تصمیم‌گیری است که از جهات مختلف این پدیده را تبیین می‌نماید. هر نظریه بر عناصری تأکید دارند که تمرکز عمده تصمیم‌گیری بر آن‌هاست. در جدول ذیل برخی از این نظریه‌ها بررسی می‌شوند:

نظریه	عناصر	راهکار پیشنهادی
نهادی	نهادهای رسمی تصمیم‌گیر، روابط رسمی ^۳	اصلاح فرایندهای رسمی تصمیم‌گیری جذب نخبگان و متخصصان در سازمان‌های تصمیم‌گیر پرورش نخبگان به صورت هدفمند جهت جذب
جریان چندگانه	جریان مساله جریان سیاست جریان خط‌مشی ^۴	طراحی سیستم دریافت مسائل عمومی و اولویت‌بندی مسائل وجود نهادهای ناظر و مطالبه‌گر نسبت به مسائل اولویت‌دار از قبیل رسانه، سازمان‌های مردم‌نهاد و ... هدایت و تشویق جامعه علمی به سمت حل مسائل اولویت‌دار عمومی ایجاد ساختارها و ظرفیت‌های سیاسی - اداری جهت اجرای راهکارهای حل مساله
تعادل نقطه‌ای	جریان اطلاعات، تغییرات تدریجی، تصویر خط‌مشی ^۵ (مرحله دستورگذاری)	طراحی سیستم دریافت مسائل عمومی و اولویت‌بندی آن‌ها با توجه به اسناد بالادستی کشور وجود نهادهای ناظر و مطالبه‌گر نسبت به مسائل اولویت‌دار از قبیل رسانه، سازمان‌های مردم‌نهاد و ... مدیریت و هدایت جریان رسانه‌ای کشور جهت بسیج منابع و افکار عمومی و نخبگان به سوی حل مسائل اولویت‌دار
ائتلاف	تسهیم باورهای خط‌مشی بین نخبگان، رقابت داخلی و فشار بیرونی سیستم، یادگیری خط‌مشی ^۶	ایجاد محیط علمی پویا و آزاداندیش با تضارب آراء تشویق نخبگان به نشر ایده‌ها و نظرات علمی اصلاح نظام ارتقای علمی مبتنی بر رشد علمی ترویج فضای یادگیری و تسهیم دانش در بین نخبگان و غیر نخبگان اصلاح نظام‌های آموزشی کشور در سه بعد دانش، نگرش و مهارت گسترش فرهنگ کار تیمی و مشارکت گروهی مدیریت دانش در نهادها و سازمانهای کشور
گروه	رقابت گروهی، قدرت	ایجاد گروه‌های جدید مبتنی بر هدف جدید

^۳ Anderson, ۲۰۰۳, pp۱۴-۱۵

^۴ Sabatier, ۲۰۰۷, p۹

^۵ JAMES L. TRUE, BRYAN D. JONES, AND FRANK R. BAUMGARTNER

^۶ Sabatier, ۲۰۰۷, pp۹-۱۰

<p>تنظیم قواعد بازی و مشارکت گروه‌ها تعدیل قدرت گروه‌ها حذف گروه‌های مخمل منافع عمومی اصلاح نظام اداری در جهت نیل به شایسته‌سالاری نه رابطه‌مداری اصلاح نگاه اصیل - وکیل در نظام مدیریتی عمومی و خصوصی</p>	<p>چانه‌زنی، دسترسی به نهادهای تصمیم‌گیر^۷ (مرحله شکل‌دهی خط‌مشی)</p>	
<p>درس‌آموزی، همگرایی خط‌مشی، انتقال خط‌مشی، اشاعه خط‌مشی</p>	<p>نوآوری خط‌مشی</p>	<p>اشاعه</p>
<p>ایجاد محیط علمی پویا و آزاداندیش با تضارب آراء اصلاح نظام ارتقای علمی مبتنی بر رشد علمی اصلاح نظام‌های آموزشی کشور در سه بعد دانش، نگرش و مهارت حرکت نظام علمی به سمت علوم ایرانی اسلامی</p>	<p>گروه‌های نخبه^۸</p>	<p>نخبگان</p>
<p>برای این مدل می‌توان از بیشتر پیشنهادات فوق بهره جست: مدل جریان چندگانه، نخبگان، اشاعه، ائتلاف،... برجسته سازی مساله</p>	<p>شناسایی مساله دستورگذاری فرموله کردن خط‌مشی مشروعیت بخشی اجرای خط‌مشی ارزیابی خط‌مشی</p>	<p>مدل فرایندی</p>

مدل جریان سه گانه:

این مدل که از مدل‌های توصیفی خط‌مشی‌گذاری است، به دنبال بیان این فرایند تصمیم‌گیری در فضای عمومی می‌باشد. جریان سه گانه بیانگر آن است که این جریان‌ها همواره در جامعه حضور دارند اما برخی اوقات در یک موضوع، هر سه جریان به هم پیوند خورده و تولید خط‌مشی می‌کنند. با وجود اینکه این مدل توصیفی است اما این مقاله آن را در جهت تجویز، مصادره به مطلوب نموده است. علت این امر آن است که هر توصیفی خود می‌تواند نمایانگر تجویز باشد.

^۷ Anderson, ۲۰۰۳, p۱۳

^۸ Anderson, ۲۰۰۳, pp۱۳-۱۴

جریان مساله بیان می‌کند که همواره در جامعه، مسائلی وجود دارند که یا مورد غفلت هستند یا اینکه عامدانه از منظر نخبگان یا عموم جامعه دور نگه داشته شده‌اند یا اینکه چندان برجسته نشده‌اند تا جریانات تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در مورد آن‌ها به چاره‌اندیشی افتند. مفهوم این جریان آن است که برای حل یک مساله، باید آن مساله در جامعه هدف خود برجسته گشته و مهم جلوه نماید.

جریان سیاست عبارتست از جریان تصمیم‌گیر. زمانی که مساله‌ای مطرح و برجسته شد، ساختار سیاسی نیز باید برای حل آن مساله و اجرای راهکارهای حل مساله هم مصمم باشد و هم اینکه دارای توان حل مساله باشد. بنابراین تمهید ساختار سیاسی و توانمندسازی آن، مفهوم تجویزی جریان سیاست است.

جریان تولید خط‌مشی یا کارآفرینی خط‌مشی عبارتست از جریان تصمیم‌ساز. در صورتی که مساله‌ای برجسته شده و ساختار سیاسی نیز آماده اجرای راه حل باشد اما راه حلی موجود نباشد، عملاً اتفاق خاصی رخ نخواهد داد. بنابراین اهتمام نهادها و افراد تصمیم‌ساز خصوصاً جامعه نخبگان به تولید راهکار می‌تواند نقص موجود را پوشش دهد. مفهوم تجویزی این جریان، سوق دادن جامعه نخبگانی به سوی تولید راه حل و توانمندسازی این امر است.

دلالت‌های کلی نظریه جریان سه‌گانه در ترکیب با نقش‌های بسیج:

جدول ذیل بیانگر نظام نقش آفرینی بسیج در هر مساله عمومی است. طبق این مدل، ۱۲ نوع فعالیت را می‌توان برای مداخلات اجتماعی بسیج در حل مسائل عمومی بیان کرد.

مدل جریان سه‌گانه خط‌مشی				
جریان مساله - هدایت افکار عمومی	جریان سیاست	جریان تولید خط‌مشی		
*	*	*	حاکمیتی	بسیج
*	*	*	ارتباطی - گفتمانی	
*	*	*	تربیتی (داخلی)	
*	*	*	اجرایی - عملیاتی	

۴دسته اول نقش آفرینی بسیج در حوزه جریان مساله و برجسته نمودن یک مساله عمومی در اذهان مخاطبین است. این امر را با ۴ نقش حاکمیتی، ارتباطی-گفتمانی، تربیتی و اجرایی- عملیاتی دنبال کرد. همچنین ۴ دسته نقش آفرینی برای جریان سیاست و ۴ دسته نیز برای جریان تولید خطمشی، می توان ذکر کرد. ۳ جریان مزبور از طریق نقش های ۴گانه بسیج قابل عملیاتی شدن هستند. به عنوان مثال، نقش تربیتی بسیج در جریان تولید خطمشی عبارتست از پرورش نیروهای بسیجی در راستای مهارت افزایی و دانش افزایی علمی. بسیج می تواند با پرورش نیروهای دانشی زمینه را برای تولید دانش و راهکارهای حل مساله در جامعه فراهم آورد.

البته باید توجه داشت که هر یک از سلول های جدول فوق، باید متناسب با مسائل تولید ملی تطبیق داده شوند. به طور مثال ممکن است سیاست مدیریت واردات با هیچ یک از نقش های بسیج همخوانی نداشته باشد یا اینکه تنها با نقش حاکمیتی بسیج مطابقت یابد. از این رو، ضمن استخراج نظام موضوعی تولید ملی، باید موضوعات متناسب با تاثیرگذاری بسیج انتخاب شده و هر محور موضوعی با نقش مرتبط و نیز با جریان مرتبط خود، متناسب سازی گردد.

سازماندهی و نظام سازی راه حل ها:

مواجهه با یک راه حل پیشنهادی، لزوماً به حل مساله منجر نمی شود بلکه باید نوعی نظام سازی را در پیش روی خود قرار داد. نظام سازی اشعار به عملیاتی سازی مجموعه راه حل های متکثر و متنوع و گاهی به ظاهر متناقض دارد که به لحاظ اجرایی، زمانبندی و برنامه ریزی، بودجه بندی و ... ترتیب داده شوند. پس از تکمیل سلول های جدول قبل، با مجموعه عظیمی از راه حل ها مواجه خواهیم شد که طبقه بندی و اولویت بخشی مهم ترین اقدام در قبال آن ها خواهند بود.

در جهت سازماندهی، گام هایی نیاز است که تبعیت از آن ها ضروری به نظر می رسد و این گام ها، هر یک موضوعاتی پژوهشی در راستای :

۱. استخراج نظام موضوعی تولید ملی
۲. تکمیل مدل پیشنهاد مقاله بر اساس روش استقرایی
۳. طبقه بندی کلیه راهکارهای ارائه شده از طریق مدل مذکور

۴. تعریف اولویت‌ها در طبقات راه حل‌ها و درون طبقات
۵. تبیین نظریه برنامه هر راه‌حل
۶. ترکیب نظریه برنامه راه‌حل‌ها
۷. اثرسنجی راه‌حل‌ها در طول زمان و منطبق بر نظریه برنامه آن‌ها
۸. برنامه‌ریزی عملیاتی اجرای راه‌حل‌ها مطابق نظریه برنامه آن‌ها
۹. طراحی سنجه‌ها و نظام ارزیابی عملکرد بسیج در این خصوص منطبق با نظریه برنامه

نتیجه‌گیری:

بسیج نهاد ممتازی است که «روح بسیج، اجتماعی، گستردگی و شکل‌گیری از کلیه اقشار، مردمی بودن در عین اتصال به حاکمیت، همزمانی تفکر، ساختار غیررسمی و ساختار رسمی» از ویژگی‌های مختص بسیج است. برخاسته از این وجوه ممیزه، می‌توان چهار نقش «حاکمیتی، ارتباطی - گفتمانی، تربیتی، عملیاتی - اجرایی» را برای بسیج برشمرد. نقش‌های بسیج در حقیقت، مدخل مداخلات اجتماعی بسیج در حل مسائل عمومی جامعه است.

یکی از مسائلی که در صدر اولویت‌های جامعه اسلامی ایران قرار دارد، مساله تحقق تولید ملی است که بسیج نیز می‌تواند در این زمینه مداخلات خود را سامان بخشد. در این مقاله زاویه دید، بررسی دلالت‌های نظریه جریان سه‌گانه از نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری است. از تلفیق جریانات سه‌گانه این مدل و نقش‌های بسیج، در پرتو نظام مسائل تولید ملی می‌توان به راهکارهایی استقرایی دست یافت. عملیاتی‌سازی راه‌حل‌ها نیازمند نظام‌سازی آن‌ها بر اساس نظریه برنامه است.

منابع:

۱. سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ابلاغی مقام معظم رهبری: ۱۳۹۱.
۲. مرندی مهدی (۱۳۸۵)، **بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: ویرایش دوم.
۳. جاوید محمدجواد (۱۳۸۷)، «بسیج به مثابه سرمایه اجتماعی - حقوقی»، **قدرت نرم و سرمایه اجتماعی**، اصغر افتخاری و همکاران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، تهران: ۳۳۵-۳۵۰.
۴. عبداللهی محمداسماعیل (۱۳۹۱)، «تحلیلی قرآنی به اهداف و الزامات تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، فصلنامه قرآنی، شماره ۴۲، ۵۶-۶۸.
۵. افتخاری اصغر، تولایی محمد، فرهادی محمد، پرچمی داود، حشمت‌زاده محمد باقر (۱۳۸۵)، **میزگرد «انسجام ملی و نقش بسیج در آن»**، فصلنامه مطالعات بسیج، سال نهم، شماره ۳۳: ۵-۱۴.
۶. تراب زاده محمدصادق و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، به زودی منتشر می‌شود.
۷. Anderson, J. E. (۲۰۰۳), "Public policymaking: An introduction", Boston: Houghton Mifflin Company: pp ۱ - ۳۴.
۸. Sabatier, P. A. (۲۰۰۷), **Theories of the Policy Process**, Boulder: Westview.
۹. True, J. L. et.al (۱۹۹۹), "Punctuated Equilibrium Theory: Explaining Stability and Change in American Policymaking", In Paul Sabatier, **Theories of the policy process**, Denver: Westview.